

بررسی پدیدار اخلاقی "توبه و استغفار" در نهج البلاغه و چهل حدیث امام خمینی با رویکرد بینامتنی

فاطمه علایی رحمانی^۱

فهیمة غلامی نژاد^۲

چکیده

توبه و استغفار موضوعی است که در نهج البلاغه و آثار متأثر از آن بسیار به آن پرداخته شده، از میان آثار متأخر متأثر، کتاب چهل حدیث امام خمینی دیدگاهها و بیاناتی را از امام خمینی در موضوع توبه و استغفار در بردارد، که نشانگر این مسأله است که امام خمینی از مفاهیم و ادبیات کلام امام علی علیه السلام در موضوع مذکور تأثیر به سزایی گرفته است. بینامتنیت از جمله روشهای مطالعاتی جدید می باشد که به ارتباط و تعامل بین متون می پردازد؛ بر اساس این نظریه متون و گویندگان آنها متأثر از یکدیگر بوده و آگاهانه و یا ناخودآگاه از آثار پیش از خود یا معاصر با خود بهره جسته اند. این پژوهش بر آن است که بینامتنیت نهج البلاغه را در چهل حدیث امام خمینی در موضوع توبه و استغفار بررسی نماید، تا بتواند تحلیل نوینی از شیوه اقتباس و نحوه تأییدپذیری این اندیشمند بزرگ معاصر در تألیفاتش ارائه دهد. با تأمل در خوانش دو متن، می توان به اثبات سیطره و تأثیر فراوان کلام امام علی علیه السلام بر عارفان و نکته سنجانی همچون امام خمینی دست یافت. با تحلیل و بررسی روند بینامتنیت دو متن، بیشترین فراوانی به روابط بینامتنی مضمونی و از نوع نفی متوازی و سپس به روابط بینامتنی لفظی از نوع نفی جزئی تعلق پیدا می کند.

واژگان کلیدی:

نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، چهل حدیث، امام خمینی (ره)، بینامتنیت، توبه و استغفار.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء (س)، تهران.

f.alaaee@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء (س)، تهران. (نویسنده مسئول)

asia1383_2004@yahoo.com

۱) بیان مسئله

نهج‌البلاغه دومین منبع اصیل فکر و عمل اسلامی بعد از قرآن کریم، - که «اخو القرآن» و «تالی تلو قرآن کریم» نامیده می‌شود- مأخذ و ملهم بسیاری از اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ بوده است. یکی از موضوعات مهم اخلاقی و تربیتی که به طور ویژه مورد توجه و تأکید در نهج‌البلاغه بوده، توبه و استغفار است. به طوری که در بیان آن حضرت در نهج‌البلاغه، توبه و استغفار به دنبال امر به تقوی آمده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۶۴: ۸۱) و همچنین امام علیه السلام توبه را مقدم بر هر عملی دانسته‌اند، (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۶۴: ۸۱) زیرا انسان با توبه شرایط عبودیت و بندگی را پیدا خواهد کرد پس امر بر توبه مقدم بر سایر عبادات است. و در نهایت آن حضرت توبه را سببی برای قرار گرفتن انسان در جاده‌ی حق و راه راست مطرح می‌کند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۲۱۴: ۳۱۳).

کتاب چهل حدیث (اربعین حدیث) یکی از آثار عارف و عالم ربّانی، حضرت امام خمینی نیز در این زمینه اشارات قابل توجهی دارد که متأثر از رویکرد نهج‌البلاغه است.^۱ رویکرد بینامتنی از رویکردهایی است که در تمامی حوزه‌ها رسوخ کرده و تحولات شگرفی را پدیدآورده است. مباحث بینامتنی در حوزه‌ی متون دینی بازتابها و کارکردهای گوناگونی را به همراه داشته است؛ زیرا متون دینی و اسلامی از دیرباز پیوسته مورد تقلید اندیشمندان هر دوره بوده است و هر یک از این اندیشمندان از آن بهره‌ فراوان برده‌اند. نهج‌البلاغه از جمله شاخص‌ترین و بارزترین این متون می‌باشد که جنب‌های ادبی و بلاغی آن در کنار مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی آن موجب شده است تا جایگاه ویژه‌ای در میان اندیشمندان مسلمان بیابد. امام خمینی از جمله اندیشمندانی است که به وام‌گیری و تأثیر پذیری از

۱. امام خمینی این کتاب را در شرح و بیان چهل حدیث از احادیث موروث از معصومان نگاشته‌اند. کتاب حاضر در اصل تقریرات امام خمینی بوده است، که مضامین آن را در مدرسه فیضیه و ملا صادق در قم برای شاگردان خود ایراد فرموده بودند، سپس تصمیم گرفتند کتابی در همین زمینه تألیف کنند، و این کتاب را در ۱۳۵۸ ه. ق. به پایان آوردند. ۳۳ حدیث از احادیث این دفتر مربوط به مسائل اخلاقی، و ۷ حدیث آخر در باب اعتقادات و معارف است. روش ایشان در توضیح احادیث چنین است که ابتدا حدیث را نقل می‌کنند، سپس آن را به فارسی ترجمه می‌کنند، و آن‌گاه کلمات اصلی حدیث، و گاه غالب تعبیّرات و کلمات آن، را شرح و معنا می‌کنند، و در معنای حدیث متعرض نکته‌ای که در شرح حدیث سودمند است می‌شوند، و پس از فراغ از شرح تعبیّرات و اصطلاحات و تمهیدات لازم، به شرح متن می‌پردازند، و طی چند «فصل» شرح حدیث را به پایان می‌برند. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱)

نهج البلاغه پرداخته است، ایشان در موضوع توبه و استغفار گاه واژگان و کلمات اصلی حدیث امام علی علیه السلام را در متن کتاب (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۷۷) و گاه با الهام از مفاهیم و آموزه نهج البلاغه، محتوا و مضامین متعالی آن را در شرح احادیث تداعی ساخته است. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) در حقیقت امام خمینی تلاش کرد تا با توجه به آموزهای اسلامی به خصوص آموزه تربیتی و اخلاقی نهج البلاغه راهی بسوی تکامل جامعه اسلامی بگشاید تا از طریق آن افراد را به سعادت فردی و اجتماعی هدایت کند. از این رو به نظر میرسد که زمینه کشف روابط بینامتنی در دو متن نهج البلاغه و چهل حدیث امام خمینی در موضوع مذکور مشهود است. در این میان، سؤالاتی مطرح است از جمله اینکه: ۱- شیوه تأثیرپذیری امام خمینی از نهج البلاغه، چگونه بوده است؟ ۲- کدام یک از روابط بینامتنی میان متن حاضر (چهل حدیث) و متن غایب (نهج البلاغه)، بارزتر است؟ ۳- از میان مجموعه آثار امام خمینی کدامیک از آثار ایشان ارتباط عمیقتری با موضوع مذکور دارد؟ ۴- انجام عملیات بینامتنی بین این دو متن چه فایده و چه ضرورت و چه ثمره را برای خواننده به همراه خواهد داشت؟ در طی این پژوهش تلاش شده تا به این سؤالات، پاسخی مناسب داده شود.

فرضیه مقاله حاضر آن است که امام خمینی در چهل حدیث از شیوه‌های گوناگون، بینامتنی لفظی و مضمونی، از این کتاب ارزشمند، تأثیر پذیرفته است. بارزترین و پربسامدترین روابط بینامتنی، بینامتنی مضمونی و از نوع نفی متوازی است. با بررسی و تحقیق پیرامون موضوع مذکور در آثار امام خمینی دانسته شد که کتاب چهل حدیث ایشان ارتباط موضوعی عمیقتری با موضوع توبه و استغفار دارد و بر همین فرض این پژوهش بر اساس این اثر و کتاب امام خمینی مورد تحلیل و بررسی بینامتنی در موضوع مذکور قرار گرفت. انجام عملیات بینامتنیت این دو متن، سبب می‌شود که لایه پنهان متن حاضر و ارتباط فکری امام خمینی با افکار و اندیشه امام علی علیه السلام بارزتر و مشخص مورد درک و فهم واقع شود. این پژوهش بر آن است، تا ابتدا وجوه مختلف متن و بینامتنیت تشریح، و سپس براساس این رویکرد، چهل حدیث امام خمینی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و پس از ارزیابی این اثر بر اساس اصول و قواعد این نظریه، میزان بینامتنیت و تأثیرپذیری ایشان از نهج البلاغه تبیین گردد. روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای است، بدین صورت که ابتدا گونه‌هایی از تناس‌های متعدد چهل حدیث را بیان و سپس با شیوه‌ی توصیفی تحلیلی، به تحلیل روابط بینامتنی

موجود دو متن غایب و حاضر، پرداخته است.

۲) پیشینه تحقیق

نگارندگان به پیشینه مستقلى در موضوع مذکور دست نیافتند. مقاله حاضر نخستین پژوهش در این زمینه بشمار می‌آید. البته در موضوع توبه و استغفار از منظر نهج‌البلاغه، پایان نامه "توبه و استغفار از منظر نهج‌البلاغه" به قلم فهیمه غلامی نژاد و نیز مقاله "آثار توبه در نهج‌البلاغه" به قلم داود رضایی اقدم و نیز کتاب مشرب مهر: روشهای تربیتی در نهج‌البلاغه نوشته مصطفی دلشاد تهرانی از پیشینه‌های موضوع این پژوهش محسوب می‌شود که به بررسی موضوع توبه و استغفار در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. اما در میان کارهای پژوهشی نامبرده هیچکدام به مقایسه و تطبیق در این دو متن با روش بینامتنیت در موضوع مذکور نپرداخته‌اند. مقاله حاضر، پژوهشی جدید و تأمل برانگیز از بینامتنی نهج‌البلاغه در چهل حدیث امام خمینی به شمار می‌رود. و از زاویه‌ای خاص (بینامتنی) به موضوع توبه و استغفار پرداخته است. از جنبه‌های نوآورانه پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های گذشته آن است که اولاً روابط بینامتنی موجود میان چهل حدیث و نهج‌البلاغه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، چیزی که در کارهای پژوهشی گذشته به آن پرداخته نشده است. ثانیاً با گزینش کتاب چهل حدیث امام خمینی از میان مجموعه آثار ایشان که ارتباط عمیقتری با موضوع تحقیق داشته، تصویری کلی از تأثیر گذاری نهج‌البلاغه بر نوشته‌های ایشان ارائه شده است.

۳) ادبیات تحقیق

توبه (توب) در لغت به معنای رجوع و برگشت است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۸: ۱۳۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱: ۳۵۷) غالب علمای اخلاق، نخستین گام برای تهذیب اخلاق و سیر الی الله را توبه و استغفار شمرده‌اند، (غزالی، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۴: ۳) امام خمینی درباره توبه می‌گوید: «توبه عبارت است از رجوع از طبیعت به سوی روحانیت نفس، بعد از آنکه به واسطه کدورت و نافرمانی، نور فطرت و روحانیت محجوب ظلمت طبیعت شده است. نفس در بدو فطرت، خالی از هر نحو کمال و جمال و نور بهجت است؛ چنانکه خالی از مقابلات آنها نیز هست، گویی صفحه‌ای است خالی از مطلق نقوش نه دارای کمالات روحانی

و نه متصف به اضداد آنها است، ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او به ودیعت گذاشته شده است و فطرت او بر استقامت و خمیره او مخمر به انوار ذاتیه است و چون ارتکاب معاصی کند، به واسطه آن در دل او کدورتی حاصل شود و هرچه معاصی بیشتر شود، کدورت و ظلمت افزون گردد تا آنکه یکسره قلب تاریک و ظلمانی شود و نور فطرت منتفی گردد و به شقاوت ابدی رسد. اگر در بین این حالات - قبل از فرا گرفتن تمام صفحه قلب را - از خواب غفلت بیدار شده و سپس از منزل یقظه به منزل توبه وارد شود از حالات ظلمانیه و کدورات طبیعیه برگشت منماید به حال نور فطرت اصلی و روحانیت ذاتیه خود، گویی خالی از کمالات و اضداد آن می‌شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۷۲) بنابر این توبه که در لغت به معنای رجوع و برگشت است با تعریف اصطلاحی آن در کلام امام خمینی که همان برگشت از حالات ظلمانیه و کدورات طبیعیه بیان شده است، تناسب روشنی دارد.

استغفار از ماده غفر (غفران) و در لغت به معنای مستور کردن و پوشاندن است).
 فراهیدی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۴: ۴۰۷ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۵: ۲۵؛ قرشی، ۱۳۷۷ه.ش، ج ۲: ۷۸۵) امام خمینی درباره استغفار می‌گوید: از اموری که برای شخص تائب لازم است بدان اقدام کند پناه بردن به مقام غفّاریت حق تعالی و تحصیل حالت استغفار است. از حضرت حق جلّ جلاله و مقام غفّاریت آن ذات مقدس با زبان قال و حال و سرّ و علن در خلوات، با عجز و ناله و تضرع و زاری، طلب کند که بر او ستر کند ذنوب و تبعات آن را. البته مقام غفّاریت و ستّاریت ذات مقدس اقتضا می‌کند ستر عیوب و غفران تبعات ذنوب را. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) بنابر این استغفار که در لغت به معنای پوشانیدن و مستور کردن آمده با معنای اصطلاحی آن در کلام امام خمینی که همان ستر ذنوب بیان شده است، تناسب روشنی دارد. همان طور که مبرهن است، امام (ره) در تعاریف اصطلاحی هر کلمه، به معنای لغوی کلمات مذکور توجه و آگاهی کامل داشته‌اند.

۴) نظریه بینامتنیت^۱

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس نظریه بینامتنیت است از این رو برای تبیین روش تحقیق پژوهش حاضر لازم است که به طور مختصر به توضیح و تعریف نظریه بینامتنیت

1. intertextuality

بپردازیم. بررسی نظریات متن محور نشان میدهد که گروهی، متن را یک واحد بسته میانگارانند که تنها به وسیله خود متن قابل فهم است؛ و در مقابل گروهی متن را یک واحد باز میپندارند که با متون دیگر در تعامل است و در واقع هر متنی ترکیبی از متون گوناگون است. این مقید بودن متون به همدیگر در نزد نظریه پردازان غرب به بینامتنیت مشهور شده است. نظریه پردازان عرب نیز اصطلاح بینامتنیت را به واژه «التناس» یا «النصوصية» ترجمه کرده‌اند. (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸:۳۰۰). تناس به لحاظ لغوی، بر وزن تفاعل و این باب به معنی مشارکت و تداخل است. لذا مراد از تناس، تداخل یک متن در متون قبل یا معاصر خود است (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲).

ژولیا کریستوا^۱ بلغاری - فرانسوی، مبدع نظریه بینامتنیت، این پدیده را برای تمام متون، اجتناب ناپذیر و حتمی می‌داند. (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸:۳۰۳). کریستوا در کتاب خود با عنوان سمیوتیک^۲، بینامتنیت را به مثابه «جابجاسازی» معنی کرده است. (ژولیا کریستوا، ۱۹۷۰، ص ۱۲). زیرا از نظر وی هر متنی به منزله جذب و دگرگون سازی متون دیگر است، به گونه‌ای که متون همواره در حال تولید هستند در واقع از این منظر مؤلفان، متون خود را به یاری اذهان خود نمی‌آفرینند بلکه آنها را بر اساس متون از پیش موجود تدوین می‌کنند (آلن، ۱۳۸۰:۵۳) و هر متن همچون معرفی از نقل قولها ساخته می‌شود. (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴؛ میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸:۳۰۳) پس هر متنی در حقیقت یک «بینامتن»^۳ است، یعنی جایگاهی است از تلاقی متن‌های بی شمار دیگر، حتی متن‌هایی که در آینده نوشته خواهند شد. (داد، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴) او معتقد است: در یک متن جمله‌هایی برگرفته از متون دیگر وجود دارند و مفهوم یک متن از طریق رمزگان‌های مشخصی که با متون دیگر ارتباط دارند، کدگذاری میشود و خواننده با کشف آن رمزگان است که میتواند به آن دست یابد. به زبان ساده‌تر متن‌ها نه تنها از راه متون دیگر شکل میگیرند بلکه از راه متون دیگر نیز درک میشوند (نعمت و حکیم، ۱۳۹۰: ۱۱۷). درواقع براساس نظر کریستوا، هر متن از همان آغاز، در قلمرو قدرت پیش گفته‌ها و متون پیشین است. هر متنی بر اساس متونی معنا میدهد که از پیش خوانده ایم. بینامتنی،

-
1. juliya kristeva
 2. Semiotike
 3. Intertext

در حکم اجزای رابط سخن است که به متن امکان می‌دهد معنا داشته باشد. او نیز چون بارت^۱، بر این باور بود که هیچ مؤلفی به یاری ذهن اصیل خود به آفرینش هنری دست نمی‌زند، بلکه هر اثر واگویی‌ای از مراکز شناخته و ناشناخته فرهنگ است (احمدی، ۱۳۷۰، ۳۲۷؛ بارت، ۱۹۷۷، ۱۴۶؛ آلن، ۱۳۸۰، ۵۳). بنابر این کسانی که قائل به موضوع بینامتنی هستند، نمی‌پذیرند که متن، دستاورد اصیل یک مؤلف باشد. بلکه در نظر آنان هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست و اثر او تطور و باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصرانش است. (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳) بر این اساس متون دارای الگوهای عامی هستند که فقط رو ساخت آنها تغییر می‌کند اما زیر ساخت‌های ثابت دارند و قابلیت بررسی ارجاعات بینامتنی در آنها وجود دارد.

۱-۴. ارکان بینامتنی

بینامتنی دارای سه رکن و سه جزء اصلی است: متن حاضر (متن موجود)، متن غایب (متنی که با متن حاضر تعامل دارد) و روابط بینامتنی (عملیات بینامتنی).

۱-۱-۴. روابط بینامتنی

انتقال لفظ یا معنا از متن غایب به متن حاضر، روابط بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهمترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است (مسبوق و بیات، ۱۳۹۱: ص ۲۹) روابط بینا متنی (عملیات بینامتنی)، چگونگی کوچ معنا را از متن غایب به متن حاضر روشن می‌کند و مشخص می‌سازد که در این کوچ چه تغییراتی روی داده تا متن کنونی شکل گرفته است. در واقع عملیات بینامتنی همان بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط موجود بین آنهاست (میرزائی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۹). روابط بینامتنی (به کارگیری متن غایب در متن حاضر) به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به قانون‌های سه گانه بینامتنی یاد کرده‌اند. (موسی، ۵۲: ۲۰۰۰). این قوانین سه گانه که روابط بین متن حاضر و غایب را تفسیر می‌کنند، عبارتند از: قانون اجترار یا نفی جزئی؛ قانون امتصاص یا نفی متوازی و قانون حوار یا نفی کلی. (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۶). پس رابطه‌ها در بررسی روابط بینامتنی بر اساس یکی از موارد مذکور تبیین می‌گردد.

۱-۱-۱-۴. نفی جزئی یا اجترار: در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن پنهان

را در متن خود می‌آورد و متن حاضر (کنونی) ادامهٔ متن غایب است. چنین تعاملی معمولاً از نظر معنای الفاظ، موافق با متن غایب است. (همان: ۳۰۶).

۴-۱-۱-۲. **نفی متوازی یا امتصاص:** در نفی متوازی، متن پنهان، پذیرفته شده است و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهرهٔ آن تغییر نکرده، در واقع مؤلف نوعی سازش میان متن پنهان و متن حاضر ایجاد کرده است. بنابراین در این شکل از روابط بینامتنی معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی نمی‌کند. این بدان معنی نیست که معنای متن حاضر با معنای متن غایب متفاوت نباشد، بلکه می‌تواند با نوعی تغییر و تنوعی همراه باشد (همان: ۳۰۶؛ موسی، ۲۰۰۰: ۵۵).

۴-۱-۱-۳. **نفی کلی یا حوار:** این نوع روابط بالاترین درجهٔ بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند، زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند؛ به گونه‌ای که این بازسازی در خلاف معنای متن پنهان باشد. (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

در تبیین ارکان بینامتنی نهج البلاغه با چهل حدیث امام خمینی، متن نهج البلاغه در موضوع توبه و استغفار متن غایب و چهل حدیث امام خمینی در موضوع مذکور، متن حاضر است و روابط بینامتنی نیز تعامل میان این دو متن را روشن می‌کند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا به بررسی روابط بینامتنی این دو متن پرداخته شود.

۵) گونه‌های بینامتنیت نهج البلاغه با چهل حدیث امام در موضوع توبه و استغفار
گونه‌های بینامتنیت و شیوه تأثیرپذیری چهل حدیث از نهج البلاغه، را می‌توان به دو قسم عمده، بینامتنی لفظی و بینامتنی مضمونی تقسیم نمود.

۵-۱) بینامتنی لفظی

یکی از انواع بینامتنی، بینامتنی لفظی است که در آن الفاظی از متن غایب در متن حاضر ذکر می‌شود و این الفاظ به کار رفته در متن حاضر ممکن است یک کلمه یا بیشتر باشد که آشکارا قابل درک و فهم است. پس تناسف لفظی آن است که مؤلف به گونه‌ای از متن غایب استفاده کند که کمترین تغییر در الفاظ آن ایجاد کند. (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) به عبارت

روشنتر، در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم، در نظر ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۸۸). بنابراین در اینگونه بینامتنیت نویسنده در متون خود، نشانه‌هایی از متون مورد استفاده خود را برای مخاطب مشخص می‌کند، تا خواننده را به این مطلب سوق دهد که کلمات یا متن مورد استفاده از خود نویسنده نیست، بلکه از کسی یا جایی اقتباس شده است.

۵-۲) بینامتنی مضمونی

یکی دیگر از انواع بینامتنی، بینامتنی مضمونی است در این نوع بینامتنیت، مؤلف متن حاضر سعی در پنهان کاری ندارد، بلکه مرجع متن غایب را به شکل غیر مستقیم معرفی می‌کند (Genette 1977:2) و حتی میتوان مرجع آن را نیز شناخت. اما این عمل هیچگاه به صورت صریح انجام نمی‌گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارت ضمنی بسنده می‌شود. (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹) در بینامتنی ضمنی، مضمون و درون مایه متن حاضر با متن غایب یکی است، یعنی متن حاضر در برگیرنده همان مضمونی است که متن غایب نیز دارای آن است. بدین صورت که نویسنده متن حاضر سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعبیر خود بیان می‌کند، این اثرپذیری گاه چنان نزدیک و آشکار است که سخن را، ترجمه آزاد از متن غایب نشان می‌دهد و گاه چنان دور که پذیرش متن غایب را دشوار می‌سازد. (راستگو، ۱۳۷۶: ۴۷) در این بخش از ارتباط متون، به شواهدی برمی‌خوریم که امام خمینی در چهل حدیث نه تنها متن نهج البلاغه را پنهان نکرده بلکه به صورت آگاهانه و غیر مستقیم از منبع مورد استفاده خود که نهج البلاغه است نام می‌برد. بنابر این امام خمینی به مراتب بیشتر از سایر روابط متونی، از این نوع تناص در جملات خود در چهل حدیث در موضوع توبه و استغفار بهره برده است.

۶) نمونه‌هایی از بینامتنی نهج البلاغه با چهل حدیث امام خمینی در موضوع توبه و استغفار

پس از شناختی اجمالی از بینامتنیت و روابط مختلف آن به نمونه‌هایی از بینامتنی‌های نهج البلاغه با چهل حدیث در موضوع توبه و استغفار اشاره می‌شود. سپس گونه‌های بینامتنیت

و شیوه اثرپذیری (بینامتنی لفظی و بینامتنی مضمونی) و به دنبال آن روابط بینامتنی (عملیات بینامتنی) موجود میان متن غایب و حاضر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۶-۱) متن غایب: «إِنَّ مِنْ عَزَائِمِ اللَّهِ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ - الَّتِي عَلَيْهَا يُثِيبُ وَيَعَاقِبُ وَلَهَا يَرْضَى وَيَسْخَطُ - أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا - وَإِنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ وَأَخْلَصَ فَعَلُهُ - أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا لَاقِيًا رَبَّهُ - بِخَصْلَةٍ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ لَمْ يَتَّبِعْ مِنْهَا - أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَتِهِ»؛ «از واجبات قطعی خدا در قرآن حکیم که بر آن پاداش و کیفر می‌دهد، و به خاطر آن خشنود شده یا خشم می‌گیرد، این است که اگر انسان یکی از صفات ناپسند را داشته و بدون توبه خدا را ملاقات کند، هر چند خود را به زحمت اندازد، یا عملش را خالص گرداند، فایده‌ای نخواهد داشت. و آن صفات ناپسند اینک: شریکی برای خداوند در عمل و عبادات واجب برگزیند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۱۵۳: ۲۰۱) امام علیه السلام در این قسمت از خطبه با استشهاد به آیه قرآن^۱ به شنونده هشدار می‌دهد که مبدا گناهان کبیره‌ای از جمله شرک را که قرآن مجید به آنها تصریح کرده و ناگزیر مستلزم عقاب و عذاب است، مرتکب شوند، (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۴۶) حضرت علی علیه السلام همچنین در فرازی دیگر از نهج البلاغه در این باره می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ - فَظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ - وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطَلَّبُ - فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشُّرْكُ بِاللَّهِ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ - وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ - فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ»

«بدانید ظلم و ستم سه گونه است: ستمی که آمرزیده نمی‌شود، ستمی که از آن بازخواست خواهد شد و ستمی که بخشوده می‌شود و از آن باز پرسی نخواهد شد، اما ستمی که آمرزیده نمی‌شود، شرک به خداست که فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»؛ و ستمی که مورد آمرزش قرار می‌گیرد ظلمی است که بنده با ارتکاب برخی گناهان کوچک به نفس خویش روا می‌دارد (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۱۷۶: ۲۴۰).

امام علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه نیز این تحذیر و هشدار را گوشزد کرده و می‌فرماید:

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يُغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ (خداوند شرک را نمی‌آمرزد، اما از غیر آن در می‌گذرد). (نساء-۴۸، ۱۱۶).

«وَمَا بَيْنَ بَيْنَ مَحَارِمِهِ مِنْ كَبِيرٍ أَوْ عَدَدَ عَلَيْهِ نِيرَانَهُ - أَوْ صَغِيرٍ أَرَّصَدَ لَهُ غُفْرَانَهُ»
 «قرآن بین چیزهای حرام شده فرق گذارده؛ گناه کبیره‌ای که وعده آتش داده
 شده و گناه صغیره‌ای که قابل آمرزش است.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه اول: ۲۶).

متن حاضر: وای به حال اهل طاعت و عبادت و جمعه و جماعت و علم و دیانت که وقتی چشم بگشایند و سلطان آخرت خیمه بر پا کند، خود را از اهل معاصی کبیره، بلکه از اهل کفر و شرک، بدتر ببینند و نامه اعمالشان سیاهتر باشد. وای به حال کسی که با نماز و طاعتش وارد جهنم شود! امان از کسی که صورت صدقه و زکات و صلواتش صورتهایی باشد که زشت‌تر از آنها تصور نشود! بیچاره تو مشرکی! خداوند به فضل خود موحد اهل معصیت عصیان کار را می‌آمرزد، ان شاء الله، ولیکن فرموده است که مشرک را نمی‌آمرزم اگر بی توبه از این دنیا برود^۱. (خمینی، ۱۳۷۱: ۵۲)

عملیات بینامتنی: امام خمینی در کتاب چهل حدیث، ذیل دعوت به اخلاص و دوری از ریا با شیوه بینامتنی مضمونی با متن غایب تعامل برقرار کرده‌اند. در واقع امام (ره) با ظرافت تمام، مضامین قرآن و نهج البلاغه را با زبان و الفاظ خود بیان نموده‌اند. ایشان با بیان اینکه ریا نوعی شرک است و شرک نیز بزرگترین گناهان کبیره است و هرگز قابل بخشش و غفران نیست، مگر اینکه انسان قبل از مرگ توبه کند و با توبه خدا را دیدار کند، مخاطب خود را تحذیر میدهد. بنابراین چون متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده، از اینرو ارتباط بینامتنی، از نوع نفی متوازی است.

۶-۲) متن غایب: «حَتَّىٰ إِذَا قَامَ اعْتَدَالُهُ وَ اسْتَوَىٰ مِثَالُهُ - نَفَرَ مُسْتَكْبِرًا... اخذَرُوا الذُّنُوبَ الْمُرْتَبَةَ وَ الْعُيُوبَ الْمُسَخِطَةَ... الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَ الْخِنَاقُ مَهْمَلٌ وَ الرُّوحُ مُرْسَلٌ - فِي فَيْئَةِ الْإِرْشَادِ وَ رَاحَةَ الْأَجْسَادِ وَ بَاحَةَ الْإِحْتِسَادِ - وَ مَهَلُ الْبَقِيَّةِ وَ أَنْفُ الْمَشِيَّةِ وَ إِنْظَارَ التَّوْبَةِ - وَ انْفَسَاحِ الْحَوْبَةِ قَبْلَ الضَّنْكِ وَ الْمَضِيقِ - وَ الرُّوْعِ وَ الزُّهُوقِ وَ قَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ - وَ إِخْذَةَ الْعَرِيزِ الْمُقْتَدِرِ»؛ «آن هنگام که انسان قامت موزونی یافت، و جوانی برومند گردید، خودبین و متکبر می‌گردد... ای مردم! از گناهانی که شما را به هلاکت افکند، از عیب‌هایی که خشم

۱. اشاره به آیه مبارکه اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ (خداوند شرک را نمی‌آمرزد، اما از غیر آن در می‌گذرد).

خدا را در پی دارد، بپرهیزید... ای بندگان خدا! هم اکنون که زندگانی شما ادامه دارد و روحتان آزاد است و آمادگی هدایت یافتن دارید و زمان برای رستگاری مساعد، و بدنها سالم است و مهلت مقتضی، اراده و اختیار برقرار است، وقت توبه و انابه، و هنگام مناسبی برای رفع نیازمندیهاست. در جهت خوشنودی و رضایت خداوند بکوشید. پیش از آنکه فرصت از دست برود و در مکان تنگ گور گرفتار آید، و خوف و ناامیدی در دلتان راه یابد، و مرگ به سروقتتان برسد، و خداوند غالب و توانا شما را به کیفر گناهانتان گرفتار کند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۹۸:۸۳).

در این قسمت از خطبه روی سخن امام علیه السلام با انسان‌های متکبر است و آنها را با این بیان از گناهان و رذایل اخلاقی مانند تکبر که موجب هلاکت می‌شود بر حذر می‌دارد و توبیخ می‌کند و آنها را متوجه زمان انجام کارهای شایسته و آنچه می‌توانند، در رابطه با نجات خود به وسیله توبه در این دنیا انجام دهند، می‌کند. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۶). امام علیه السلام همچنین در جایی دیگر از نهج البلاغه در این باره می‌فرماید:

«سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ»

«گناهی که تو را پشیمان کند بهتر از کار نیکی است که تو را به خود پسندی وا

دارد.»؛ (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، حکمت ۴۶: ۶۳۵).

هرگاه گناهی از انسان سرزند و او را زشت آید و پشیمان شود و به راستی توبه کند، توبه او گناهِش را از میان می‌برد و عقابی را که مستحق آن بوده است، بر طرف می‌سازد و پاداش توبه هم برای او حاصل می‌شود. ولی آن کس که واجبی را اطاعت می‌کند و مستحق ثواب می‌شود اگر بر خود شیفته شود و به خداوند متعال با علم خود ناز فروشد و بر مردم تکبر کند، ثواب عبادتش به سبب شیفتگی و غرور و ناز کردن به خداوند متعال از میان می‌رود، نه ثوابی می‌برد و نه عقابی می‌بیند و آن دو یکدیگر را نفی می‌کند، و تردید نیست آن کس که ثواب توبه برای او فراهم می‌شود و عقاب معصیت از او ساقط می‌گردد، بهتر از کسی است که کاری انجام دهد که نه برایش سودی داشته باشد و نه زبانی. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج: ۲۶۶)

متن حاضر: «رفع غش با آتش توبه و ندامت و گذاشتن نفس را در کوره عتاب و ملازم و ذوب کردن آن را به آتش پشیمانی و برگشت به سوی خداست. در این عالم خودت بکن،

و الا در کوره عذاب الهی و نار الله الموقدة قلبت را ذوب کنند و خدا می‌داند چند قرن از قرنهای آخرت این اصلاح طول می‌کشد. پاک شدن در این عالم سهل و آسان است، تغییرات و تبدیلات در این نشئه خیلی زود واقع می‌شود، و اما در آن عالم تغییر به طور دیگری است و زوال یک ملکه از ملکات نفس قرن‌ها طول دارد. پس، ای برادر تا عمر و جوانی و قوت و اختیار باقی است اصلاح نفس کن. اعتنا به این جاه و شرفها مکن، این اعتبارات را زیر پا بگذار. تو آدمزاده‌ای، صفت شیطان (تکبر) را از خود دور کن. ممکن است شیطان به این رذیله از سایر رذایل بیشتر اهمیت دهد، و چون این صفت خود اوست و موجب طرد او از درگاه خدای متعالی، عارف و عامی و عالم و جاهل را بخواهد همسلك خود کند، و در آن عالم که ملاقات کنی او را با این رذیله، گرفتار ملامت او هم بشوی» (خمینی، ۱۳۷۱: ۹۸).

عملیات بینامتنی: امام خمینی در این قسمت از شرح خود برای علاج و رفع رذیله تکبر، راه و طریق عملی توبه و بازگشت به سوی خدا را به تأسی از مضامین نهج البلاغه برگزیده است. در حقیقت امام (ره) در این فراز از شرح چهل حدیث به گونه زیبا و هماهنگ با مضامین نهج البلاغه تعامل بینامتنی مضمونی برقرار کرده است؛ این فراز از شرح چهل حدیث نیز از نوع رابطه نفی متوازی است؛ زیرا امام (ره) مفهوم و مضمون متن غایب را بدون دگرگونی معنایی و تغییر اساسی در شرح خود به کار برده است.

۳-۶) امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه که از خانه خدا به عنوان عبادتگاه و وعدگاه آمرزش الهی یاد می‌کند می‌فرماید:

«يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنَاجِرِ عِبَادَتِهِ - وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ»

«در تجارتگاه عبادت خدا سود فراوان می‌برند و به وعده‌گاه آمرزش خدا

می‌شتابند و از هم سبقت می‌گیرند.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه اول: ۲۶).

ابن میثم بحرانی در شرح این قسمت از کلام امام علیه السلام چنین می‌گوید: مقصود از عزم و تصمیم برای حج خانه خدا این است که انسان با ترک شهوات و لذات به پروردگار روی آورد و متوجه زیارت خانه حق شود و تصمیم و عبادت خود را برای خدا خالص و آن را از آلودگی به ریا و نام و آوازه دور گرداند، و باید این حقیقت را بداند که جز قصد و عمل خالص از او پذیرفته نمی‌شود پس اگر میل به قبول زیارت دارد از همه معاصی به وسیله توبه در آید و

همه علائق قلبی خود را از غیر خدا قطع کند. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴۵۷: ۱)

متن حاضر: «کم اتفاق افتد برای ما عمل خالی از ریا و نفاق... بعد از هر عبادتی که کردی از روی جدّ و واقع از آن عبادت و از آن دروغها که در محضر حق تعالی گفتی، از آن نسبتها که بی جهت به خود دادی، استغفار و توبه کن. آیا توبه ندارد که در مقابل حق می گویی قبل از ورود در نماز «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱. آیا وجهه قلب شما به فاطر سماوات و ارض است؟ آیا شما مسلمید و از شرک خالصید؟ آیا نماز و عبادت و محیا و ممات شما برای خداست؟ آیا تو عبادت خدا می کنی یا عبادت بطن و فرج خود؟ آیا تو استعانت از خدا فقط می طلبی، یا در کارها چیزی که در نظر نیست خدا [است] آیا تو به زیارت بیت الله که می روی، مقصد و مقصودت خداست و مطلب و مطلوبت صاحب خانه است؟ ای عزیز! همت کن و پرده جهل و نادانی را پاره کن و از این ورطه هولناک، خود را (به وسیله توبه) نجات ده» (خمینی، ۱۳۷۱: ۷۱)

عملیات بینامتنی: امام خمینی (ره) در این قسمت از شرح خود مخاطب را با بیان اینکه عبادت فقط باید برای پروردگار باشد و اگر عبادت و دیگر اعمال شما از جمله حج بیت الله الحرام برای غیر خدا و به خاطر هوای نفس و ریا باشد، پذیرفته نیست و باید به وسیله توبه و استغفار خود را از این مهلکه نجات داد، آگاه می سازد. امام خمینی (ره)، نیز از تأثیر مضمین کلام امام علی علیه السلام به دور نبوده، وی با الهام از مضمون این خطبه امام، رابطه بینامتنی مضمونی با نهج البلاغه برقرار کرده، اما این تأثیرپذیری امام (ره) از متن غایب مانند نمونه های قبل آنچنان نزدیک نیست، بلکه وی ماده و مضمون را از سخن امام علیه السلام الهام گرفته و به گونه ای آن را در متن حاضر به کار گرفته که به سادگی قابل تشخیص نیست، همین امر پذیرش متن غایب را کمی دشوار ساخته است، از اینرو رابطه بینامتنی از نوع نفی کلی یا حوار است که نیاز به خوانش آگاهانه دارد تا متن غایب مشخص گردد.

۴-۶) متن غایب: «فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا - مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا - فَاتَّقَى عَبْدُ رَبِّهِ نَصَحَ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَغَلَبَ شَهْوَتَهُ - فَإِنَّ أَجَلَ مَسْتَوْرٍ عَنْهُ وَأَمَلَهُ خَادِعٌ لَهُ - وَ

الشَّيْطَانُ مُوَكَّلٌ بِهِ يُزَيِّنُ لَهُ الْمَعْصِيَةَ لِيُرْكَبَهَا - وَ يَمْنِيهِ التَّوْبَةَ لِيُسَوِّفَهَا - حَتَّى تَهْجُمَ مِنْبَتُهُ عَلَيْهِ
 أَغْفَلَ مَا يَكُونُ عَنْهَا - فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى ذِي عَقْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمْرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً - وَ أَنْ يُؤَدِّيَهُ
 أَيَّامُهُ إِلَى الشَّقْوَةِ»؛ «پس (بندگان خدا) در دنیا (برای بیرون شدن از دنیا باندازه که فردا (ی
 محشر) نفوس خود را به آن بتوانید حفظ و نگهداری کنید توشه بردارید، (عمل صالح تهیّه
 کنید)، از عذاب پروردگار، بنده‌ای پرهیز کرد که خویشتن را پند داد (از تسویف دوری گزید)
 بر توبه پیشی گرفت، بر خواهشها چیره گردید، (همواره برای دیدار پروردگار مهیا است) زیرا
 مرگ، پوشیده از او، آرزو فریبنده او، شیطان موکل بر او است، گناه را در نظر او آرایش میدهد
 تا بر آن سوار شود (آنرا مرتکب گردد) او را به آرزوی توبه می‌نشانند، تا آنرا به تاخیر افکند
 تا اینکه ناگاه مرگ بر او هجوم آورد، در حالیکه به کلی از آن بی‌خبر بوده است، پس آه از
 حسرت آن صاحب غفلتی که (فردای قیامت) عمرش بر او حجّت و دلیل بوده و روزگار او
 را به بدبختی کشانده باشد، (عمریکه وسیله سعادت او بوده آنرا در راه شقاوت مصرف کرده
 باشد)»؛ (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۸۰: ۶۴) این عبارات امام علی علیه السلام تأکیدی بر انجام دادن توبه
 است. ایشان انسانها را بر حذر می‌دارد که مورد هجوم آرزوهای دور و درازشان قرار نگیرند
 که موجب غفلت می‌شود. و هرگاه بر این غفلت و بی‌توجهی، فریب آرزوهای طولانی، که از
 وسوس‌های شیطانی است اضافه شود، بی‌خبری محض تحقق می‌یابد. شیطان گناه را در نظر
 انسان، زیبا جلوه می‌دهد، و انجام توبه را به تأخیر می‌اندازد. امام علیه السلام نتیجه چنین فریب
 خوردگی را، هجوم ناگهانی مرگ بر شخص فریب خورده میدانند. در حالی که وی در نهایت
 بی‌خبری و سرگرم آرزوهای دور و دراز است، بی‌خبری موجب بزرگترین اندوه و بیشترین
 پشیمانی است، زیرا عمر، به زبان حال گواه و دلیل است. و در انجام گناه بر علیه انسان شهادت
 می‌دهد. با وجودی که عمر می‌توانست وسیله‌ای برای نیک بختی او باشد، حال سببی برای
 شقاوت و بدبختی و تیره‌روزی او شده است. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۷). همچنین امام علی علیه السلام
 در خطبه ۲۸ نهج البلاغه می‌فرماید:

«أَفَلَا تَأْتُبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ مَنبَتِهِ - أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ - أَلَا وَ إِنكُمْ
 فِي أَيَّامِ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ - فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ - فَقَدْ
 نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ - وَ مَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ - فَقَدْ

خَسِرَ عَمَلُهُ وَ ضَرَّهُ أَجَلُهُ... وَإِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ - فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا - مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ عَدَاً»

«امام علی علیه السلام فرمود: آیا توبه کننده‌ای نیست تا پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند و آیا عمل کننده بخیری نیست که برای روز دشوار قیامت هم اکنون دست به کار شود به هوش باشید، شما در روزگار امیدواری هستید، که در پس آن مرگ و گرفتاری است، پس آن کس که در روز امیدواری برای روز گرفتاریش عمل کند، عملش به او سود می‌بخشد، و مرگش به او زیان نمی‌رساند و هر کس پیش از فرا رسیدن مرگش در عمل کوتاهی کند، عمل نکردن موجب خسران می‌شود، و اجلش به او زیان وارد می‌کند... مردم، دو چیز است، که من برای شما نسبت به آن دو امر، سخت بیمناکم. پیروی هوای نفس کردن و آرزوهای دور و دراز داشتن. بنا بر این از دنیا، زاد توشه تقوا و عمل شایسته، برای فردای خود بردارید.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۵۲: ۲۸).

مقصود این است که در آن چیزهایی که امام از خوف و خطر آن بر آدمی آگاه است، دو چیز است که خطر آن افزون است؛ پیروی از مقتضیات و خواهشهای قوه غضبیه و شهویه که از آن به هواء نفس اماره تعبیر می‌شود و دیگر طول امل و منقطع نشدن آرزوها؛ یعنی امید کشیدن انتقامهای نکشیده و رسیدن به شهوتهای نرسیده؛ زیرا با آرزو، امید توبه و ندامت محقق نشود و در آن (وجود آدمی) اخلاق و ملکات ردیه و افعال و اعمال قبیحه باقی می‌ماند تا وقتی که از دنیا برود و ثمر آنها را بر خورد و پشیمان گردد و سودی ندهد و چنانچه در دنیا بعد از اکتساب سیئات، توبه و ندامت و پشیمانی حاصل آید راه نجاتی پیدا شود پس ترسناکتر از همه ترسهای آخرت بد کردن و پشیمان نشدن است. (نواب لاهیجانی، بی تا: ۵۸) این جمله کوتاه «وَإِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ» از جمل‌های بسیار مهم و سرنوشت ساز است، که به خاطر اهمیت فوق العاده که دارد در خطبه بالا و نیز در خطبه ۴۲ بدان اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۶۲)

متن حاضر: «انسان نمی‌داند چه وقت کوس رحیل می‌زنند که باید ناچار کوچ کند. این طول امل که من و تو داریم، که از حب نفس و مکاید شیطان و شاهکارهای آن ملعون است، به طوری ما را از توجه به عالم آخرت باز داشته که در فکر هیچ کار نیفتیم. و اگر مخاطرات

سیر و موانع حرکت داشته باشیم، در صدد اصلاح آن به توبه و انابه و رجوع به حق برنماییم و هیچ در صدد جمع زاد و راحله نباشیم، ناگاه اجل موعود در رسد و ما را بی‌زاد و راحله و بی‌تهیه سفر ببرد: نه عمل صالحی داریم و نه علم نافع، و مؤنه آن عالم روی این دو مطلب چرخ می‌زند، و ما هیچیک را تهیه نکردیم. اگر خدای نخواست با این حال که هستیم ما را کوچ دهند، خسارتهای بزرگی و حسرت‌های بسیاری در پیش داریم که زایل شدنی نیست. پس، نسیان آخرت از اموری است که اگر ولی الله اعظم، امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، بر ما بترسد از آن و از موجب آن، که طول امل است، حق است؛ زیرا که او می‌داند این چه سفر پر خطری است. و انسانی که باید آنی راحتی نداشته باشد و در هر حال مشغول جمع زاد و راحله باشد و دقیقه‌ای ننشیند، اگر نسیان کرد آن عالم را و به خواب رفت- و در صدد توبه و انابه و رجوع به حق بر نیامد- و نفهمید که چنین عالمی هم هست و چنین سیری هم در پیش است، چه به سر او خواهد آمد و به چه بدبختیهایی گرفتار خواهد شد.» (خمینی، ۱۳۷۱: ۱۷۵)

عملیات بینامتنی: امام خمینی (ره) در قسمت اول بیان خود با الهام گرفتن از مضمون عبارات خطبه ۶۴ نهج البلاغه، شرح خویش را بر اساس آن پایه گذاری کرده است، زیرا مفهوم اصلی قسمت مذکور، تأکید بر انجام توبه است و انسان را بر حذر می‌دارد که مورد هجوم آرزوهای دور و دراز قرار نگیرند که موجب غفلت می‌شود. غفلت سبب می‌شود که انسان در صدد اصلاح خود به توبه و انابه و رجوع به حق بر نیاید. پس امام خمینی (ره) با استفاده از شیوه تأثیرپذیری، این مضمون را از سخن امام علی علیه السلام الهام گرفته و با متن غایب تعامل بینامتنی مضمونی برقرار کرده است و ارتباط بینامتنی میان این قسمت از دو متن با توجه به الهام گیری امام (ره) از مضمون این خطبه بدون دگرگونی معنایی از نوع نفی متوازی است. در قسمت دوم، امام (ره) با بیان اینکه «نسیان آخرت از اموری است که اگر ولی الله اعظم، از آن و از موجب آن، که طول امل است، بر ما بترسد، حق است.» از این رو به نقل عبارت امام علی علیه السلام پرداخته و با این بیان خود، ذهن مخاطب را به متن غایب رهسپار نموده است و با نهج البلاغه بینامتنی لفظی برقرار کرده است. رابطه بینامتنی میان این قسمت از دو متن از نوع نفی جزئی یا اجترار است، زیرا امام (ره) جزئی از متن پنهان را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است، چنین تعاملی معمولاً از نظر معنای الفاظ، موافق با متن غایب است.

۵-۶) متن غایب: «و قال ﷺ لِقَائِلٍ قَالَ بِحَضْرَتِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ - تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ أَ تَدْرِي مَا الْاسْتِغْفَارُ - الْاسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ - وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةِ مَعَانَ - أَوَّلُهَا النَّدْمُ عَلَى مَا مَضَى - وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا - وَ الثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ - حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ - وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ - ضَيَعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا - وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ - فَتُدْبِيهِ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصَقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ - وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ - وَ السَّادِسُ أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ - كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمُعْصِيَةِ - فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، حکمت ۴۴۹: ۳۲۹).

ظاهر سخن امام ﷺ مقتضی آن است که کلمه استغفار به معنی واقعی، مقام بلند مرتبگانی است که شایستگی تصاحب آن را دارند. این کلمه دارای شش معنا و شرط است که امام ﷺ بدانها اشاره فرموده و از آن نام برده تا حقیقت آن شناخته شود. معنای عبارت «آتدری ما الاستغفار» یعنی: استغفار با شرایط کامل، و قصد امام ﷺ از اشاره بر این که لفظ استغفار بر شرایطش صدق می کند، تأکید بر این مطلب است که استغفار بدون آنها ناتمام است. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۷۵۳)

متن حاضر: «و ما در این باب (فصل در شرایط توبه) می پردازیم به ذکر کلام شریف حضرت مولی الموالی، زیرا که آن در حقیقت از جوامع کلم و کلام ملوک و ملوک کلام است. جناب سید جلیل القدر، السید الرضی، رضی الله عنه، در نهج البلاغه روایت فرمود که «همانا گوینده ای در محضر حضرت امیر، علیه السلام، گفت: استغفر الله.» پس فرمود به او: «مادرت در عزایت گریه کناد، آیا می دانی چیست استغفار؟ همانا استغفار درجه علیین است. و آن اسمی است که واقع می شود بر شش معنی. اول آنها پیشمانی بر گذشته است. دوم، عزم بر برگشت نمودن است به سوی آن همیشگی. سوم، ادا کنی به سوی مخلوق حق آنها را تا ملاقات کنی خدای سبحان را پاکیزه که نبوده باشد بر تو دنباله ای. (یعنی حقی از کسی به عهده تو نباشد). چهارم، آنکه روی آوری به سوی هر فریضه که بر تو است که ضایع کردی آن را، پس ادا کنی حق آن را. پنجم، روی آوری به سوی گوشتی که روییده شده است بر حرام، پس آب کنی آن را به اندوه تا بچسبد گوشت به استخوان و روییده شود بین آنها گوشت تازه. ششم، آنکه بچشانی جسم را درد فرمانبرداری، چنانچه چشاندی آن را شیرینی نافرمانی.»

(خمینی، ۱۳۷۱: ۲۷۸-۲۷۷).

عملیات بینامتنی: امام خمینی (ره) در حدیث هفدهم کتاب چهل حدیث با نقل کامل عبارت امام علی علیه السلام در حکمت ۴۴۹ با نهج البلاغه تعامل برقرار کرده است و الفاظ متن غایب را در کلام خود ذکر کرده، از این رو کاربرد واژه‌های متن غایب سبب ایجاد تناسف لفظی شده است. و از آنجا که نه در لفظ و نه در معنای غایب تغییری صورت نگرفته، رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی است.

۶-۶) متن غایب: «...أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارَ وَ غَدَا السَّبَاقَ وَ السَّبَقَةَ الْجَنَّةَ وَ الْعَايَةَ النَّارَ؛ أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ مَنِيَّتِهِ أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ...» «...آگاه باشید امروز، روز تمرین و آمادگی، و فردا روز مسابقه است، پاداش برندگان، بهشت، و کیفر عقب ماندگان آتش است. آیا کسی هست که پیش از مرگ، از اشتباهات خود، توبه کند آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن روز دشوار قیامت، اعمال نیکی انجام دهد...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۲۸: ۵۳) انسان می‌تواند به وسیله‌ی توبه حیات و زندگی خود را پاک نموده و پیش از مشاهده‌ی نتایج شرم آور پستی‌ها و وقاحت‌های خود و دچار شدن به سرنوشت شوم دوزخ جان و روح خود را نجات دهد و زمینه لازم برای ورود به بهشت را بدست آورد. (جعفری، ۱۳۷۹ه.ش، ج ۶: ۱۵۸) متن حاضر: «با ترک توبه و تسویف و تأخیر آن ممکن است انسان به شقاوت ابدی و عذاب خالد و هلاک دائم برسد، و با دخول در این منزل، ممکن است انسان سعید مطلق شود و محبوب حق گردد. پس وقتی مقصد بدین عظمت است، از زحمت چند روزه چه باک است.» (خمینی، ۱۳۷۱: ۲۸۰)

عملیات بینامتنی: امام خمینی (ره) عبارت مذکور را برای شرح و توضیح حدیث هفدهم کتاب چهل حدیث که در ارتباط با موضوع توبه و استغفار است، بیان نموده‌اند. در اینجا امام (ره) از مضمون کلام امام علی علیه السلام بهره برده است و با شیوه بینامتنی مضمونی با نهج البلاغه ارتباط برقرار کرده است. از آنجا که مضمون متن پنهان، پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر اساسی نکرده است، لذا رابطه میان دو متن از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

موارد ذکر شده تنها نمونه‌هایی از روابط بینامتنی نهج البلاغه با چهل حدیث در موضوع

مذکور بوده است. تکرار این تجربه در ارتباط بینامتنی متعدد چهل حدیث با نهج البلاغه در موضوع مذکور، قابل پیگیری و شناسایی است. این نمونه‌ها تأییدی بر این ادعا هستند که امام خمینی (ره) با آگاهی کامل، از خرمن فصاحت و بلاغت امیرمؤمنان علیه السلام، تناص‌های گوناگونی داشته‌اند.

نتایج

بر اساس آنچه در این پژوهش مطرح شد، روشن گردید که چهل حدیث امام خمینی نمونه بسیار خوب از متونی است که تحت تأثیر متون دیگر از جمله نهج البلاغه قرار گرفته و مضامین اخلاقی بسیار زیبایی را در خود جای داده است.

امام خمینی توانسته سبک نوشته‌های خود را با مهارت و توانایی با جملات نهج البلاغه وفق دهد. این امر خود دلیل استواری بر آگاهی و تسلط این اندیشمند بزرگ، بر آیات قرآن و جملات نهج البلاغه است.

با وجود تعلق دو صاحب اثر به دو عصر متفاوت، حضور نهج البلاغه به عنوان متن غایب در متن حاضر (چهل حدیث) به دلیل تبعیت و پیروی شخصیت معاصر (امام خمینی) از مبانی فکری و سیره عملی شخصیت متقدم (امام علی) به طور آشکاری رخ مینماید و این حکایت از همسویی انسانی ابعاد نهج البلاغه است.

نتیجه بررسی عملیات بینامتنی در این پژوهش نشان داد که امام خمینی از مفاهیم و کلام امام علی علیه السلام در موضوع توبه و استغفار در چهل حدیث به طور کاملاً بارز و آشکار تأثیر پذیرفته و هیچ تعمدی برای پنهان کردن و کتمان کردن این تأثیر و الهام دیده نمی‌شود، بلکه بهره‌گیری از آن آگاهانه و در اغلب موارد به شکل غیر مستقیم است. بیشتر تناص‌های به کار رفته در متن حاضر، تناص مضمونی و روابط میان آن بیشتر از نوع نفی متوازی است. در نهایت با خوانش این دو متن، و با استفاده از روش علمی بینامتنیت در این پژوهش، متن چهل حدیث در موضوع مذکور هم از بعد الفاظ و هم از بعد معنا و مضمون کاملاً متأثر و الهام گرفته شده از متن نهج البلاغه شناخته می‌شود.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۵)، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، م: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ه.ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن (نشانه شناسی و ساختارگرایی)، تهران: نشر مرکز.
- آلن، گراهام (۱۳۸۰)، بینامتنیت، م: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم. (۱۳۷۵)، ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، م: قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹ ه.ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیل نعمت و جعفر حکیم. (۱۳۹۰)، بررسی بینامتنیت در نقیضه و پیام‌های بازرگانی، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و زبان خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنجان، سال سوم، شماره ۸.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۱)، چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س).
- داد، سیما. (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: انتشارات مروارید.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹)، مشرب مهر: روش‌های تربیتی در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دریا.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶)، تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.
- رضائی اقدم، داود. (۱۳۵۸)، آثار توبه در نهج البلاغه، حمایت، ۲۷ دی.
- سید رضی (ابو الحسن محمد بن الحسین الموسوی). (۱۳۸۲)، نهج البلاغه، م: محمد دشتی، قم: انتشارات نسیم کوثر.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

- غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۰۶ ه.ق)، إحياء علوم الدين، بيروت: بي نا.
- غلامی نژاد، فهیمه. (۱۳۹۱)، توبه و استغفار از منظر نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فاطمه علایی رحمانی، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ه.ق)، ترتیب کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ ه.ش)، مفردات نهج البلاغه، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱ ه.ش)، «کلام، مکالمه، رمان»، م: پیام یزدانجو، تهران: نشر آگه.
- مسبوق، سید مهدی و حسین بیات. (۱۳۹۱)، روابط بینامتنی قرآن با نامه سسی و یکم نهج البلاغه، مجله مشکوة، شماره ۱۱۴.
- مقدسی، امین و حسن خلف و سعد الله همایونی. (۱۳۹۰)، روابط بینامتنی نهج البلاغه با آثار امین الريحانی، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵)، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسی، خلیل. (۲۰۰۰ م)، قرائات فی الشعر العربی الحديث و المعاصر، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- میرزائی، فرامرز و ماشاء الله واحدی. (۱۳۸۸)، روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر، نشریه ادب و زبان فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان. شماره ۲۵.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶) «ترامنتیت، مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها، پژوهش نامه علوم انسانی، فرهنگستان هنر، شماره ۵۶، زمستان.
- نواب لاهیجی، میرزا محمد باقر. (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تهران: اخوان کتابچی.
- Barthes, Roland (1977). Image – Music – Text. Selected and Trans Stephen Heat. New York: Hill and Wang.
- Genette, Gerard (1997) Palimpsests, Literature in Second Degree. Trans, Channa
- Newman and Calude Doubinsky. Lincoln University of Nebraska Press.
- Julia Kristeva, 1970 , Semiotike, Mouton Publisher, The Hugue, The Netherland, Great Britain.